



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ارتشیان، به مناسبت روز ارتش - 24 / فروردین / 1373

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران و خواهران عزیز؛ مخصوصاً خانواده های عزیز شهیدان معظم «ارتش جمهوری اسلامی» و جانبازان و آزموندگان میدان جهاد مقدس و فرماندهان توانا و قدرتمند ارتش؛ خیلی خوش آمدید. این دیدار فرصت بسیار خوبی است که بنده یک بار دیگر «روز ارتش» را که از یادگارهای بسیار با ارزش امام بزرگوارمان است، تجلیل کنم و به مناسبت این روز، پیام قلبی تقدیر و سپاس از فداکاریهای ارتش را به گوش یکایک اعضای ارتش جمهوری اسلامی ایران برسانم.

حقیقت این است که ارتش، یک فرصت بسیار خوب به دست آورد و آن فرصت، جهاد مقدس بود. اگر در دنیا ارتشی باشد که جنگ را در میدانهای واقعی نبرد تجربه نکند و فقط در کتابها و کلاسها و از زبان این و آن درباره جنگ بشنود، این ارتش، یک ارتش واقعی، یا لاقلاً یک ارتش سرافراز نیست. اما آن ارتشی که جنگ را با پوست و گوشت و استخوان و سراسر حیات خود، آن هم نه یک روز و دو روز، بلکه بیش از هشت سال، لمس می کند و خود و همسر و فرزندان و خانه اش، با جنگ و حوادث جنگ آمیخته می شوند و همه آنها از مصایب آن متأثر می گردند - به خصوص جنگی که در راه تجاوزطلبی و افزون خواهی و توسعه متصرفات و قلمرو نیست؛ بلکه جنگی در راه دفاع از ملیت و کیان کشور و دفاع از اسلام و انقلاب و شرف ملت ایران است - یک ارتش واقعی، آبرومند و سرافراز است.

امروز ارتش ما این گونه است. البته کسانی هم هستند که بعد از پایان جنگ وارد ارتش شده اند و یا در ایام جنگ، توفیق حضور در خطوط نبرد را به آن شکل نداشته اند. لکن حکم روی اکثریت است. اکثر قاطع افراد ارتشی ما، هم خود و هم خانواده هایشان، از حادثه جنگ، اثر پذیرفتند و آزمایش دشوار جنگ را با همه وجود لمس کردند. این، خیلی امتیاز و افتخار است.

عزیزان من! نکته ای را همین جا عرض کنم و آن این است که تلاش کنید این افتخار را نگه دارید، و روزه روز زیادتر کنید. هم یکایک کسانی که در میدان جنگ بودید این تلاش را برای شخص خودتان بکنید و هم مجموع ارتش و عناصر ارتش و خانواده هایشان، برای کل ارتش این تلاش را بکنند. چون انسان، موجودی آسیب پذیر و در عین حال، تغییرپذیر است. البته، تغییرپذیر بودن، از یک نظر نقطه قوت است؛ چون اگر انسان جامد بود، تحرک و تغییر نداشت و برای او، پیشرفت میسر نمی شد. نفس این که انسان تغییر یا فساد می پذیرد، مبین این است که می تواند پیش برود و می تواند با فساد، مبارزه کند و خود را سالم نگه دارد. این، خود یکی از بزرگترین مدارج تکامل برای موجود انسانی و واحدهای انسانی است. بنابراین سعی کنید از این فرصت تکاملی که برای انسانها فراهم است، حداکثر استفاده را بکنید تا روز به روز، ارتش پیش برود و روزه روز، انسانها خود را به خدا نزدیک کنند.

افتخار مجاهدت فی سبیل الله را، هر کس خودش به دست آورده است و ارتش، که به طور مجموع، در به دست آوردن این افتخار کوشیده است، آن را چون مدالی درخشان بر سینه خود نگه دارد. حفظ این افتخار، هم برای ارتش، هم برای ملت ایران و هم برای سرنوشت انسانی هر انسانی که با دیدگاه اسلامی معتقد است آینده ای وجود دارد؛ زندگی پس از مرگ هست و قیامت و حساب و کتابی خواهد بود، بسیار مهم است.

ما، در یادگانها و دیدارهای نظامی، مطالب مربوط به ارتش را با شما زیاد در میان گذاشته ایم و می گذاریم. اما امروز، در فضای این حسینیه، می خواهم مطلبی را که مربوط به همه ملت ایران است با شما در میان بگذارم. آن مطلب این است که از سالها پیش - شاید بشود گفت از دویست سال پیش - مبارزه ای از طرف قدرتمندان تشنه ثروت و قدرت بیشتر، که می خواستند همه مناطق دنیا را در اختیار بگیرند، بر ملت ایران تحمیل شد. آنها می



خواستند اگر منابع طبیعی هست، اگر میراث فرهنگی هست، اگر وسیله کسب علم هست و اگر استعداد هست، ببرند و در خدمت تمدن و سیاستی که تازه در اروپا به وجود آمده بود - یعنی همین تمدن صنعتی و تشکیلات سیاسی مترتب بر تمدن صنعتی و نظایر آن - قرار دهند. آنها مبارزه ای را بر همه ملت‌هایی که می‌شد از آنها استفاده ای کرد، بی آن که خود آن ملت‌ها بخواهند، تحمیل کردند. اروپا محیط کوچکی بود که در آن عطش قدرت زیادی وجود داشت. عمده ثروتهای دنیا هم، نه در اروپا که در آسیا و افریقا نهفته بود. تشنگان ثروت و قدرت برای به دست آوردن چنان ثروتهایی مجبور بودند راه‌های دور و دراز را بیمایند و با قبضه کردن مناطق ثروت خیز دنیا، آن ثروت‌ها را در جسم نظام‌های سیاسی ای که آن روز در اروپا، تازه طعم پیشرفت علمی و صنعتی را چشیده و مزه می‌کردند، تزریق کنند. بدین ترتیب بود که به جان ثروتهای آسیا و افریقا افتادند که هر کس کتاب‌های تاریخ معاصر جهان را خوانده باشد، بقیه داستان را می‌داند. هندوستان طعمه استعمار شد. چین طعمه استعمار شد. ژاپن و تمام مناطق شرق آسیا هم طعمه استعمار شدند و استرالیا یکبارہ بلعیده شد!

یک وقت است که کشوری فاقد مردم است و یا مردم بی فرهنگی دارد. بدیهی است که تصرف آن کشور برای استعمارگران آسان است. اما یک وقت کشوری برخوردار از مردمی با فرهنگ و با ادعاست که برای خودشان شخصیت و سابقه ای قائلند. آن وقت دیگر ورود استعمار به آن کشور، چندان بی دردسر نیست؛ چرا که از طرف مردم آن کشور، علیه استعمارگران، مبارزه ای به وجود می‌آید. عاملی که ما امروز به آن «استکبار» می‌گوییم، مبارزه مذکور را بر ملت ایران تحمیل کرد. در گذشته، وقتی که استکبار وارد کشوری می‌شد، به شکل استعمار مستقیم می‌آمد و آن کشور را قبضه می‌کرد. اما امروز، از طرق پیشرفته تری برای تسلط و تصرف ملت‌ها و منابعشان استفاده می‌کند. بنابراین، مبارزه ای که ملت ایران در طول صد و پنجاه سال یا بیشتر، با کشورهای استعمارگر داشت - از «مبارزه تنباکو» بگیرد تا قضایای بعدی و نهضت ملی و تا مبارزات امروز ملت ایران با سیاست‌های استکباری و با امریکا و با دیگران - همه و همه از مبارزاتی است که بر مردم ما تحمیل کرده اند. والا اگر ملت ایران را رها می‌کردند و او را راحت می‌گذاشتند تا خودش به کار خودش، به کشور خودش، به منافع خودش و به منابع خودش برسد، ممکن بود چنین مبارزه ای به این شکل پیش نیاید. آنها این مبارزه را بر ملت ایران تحمیل کردند. امروز هم، آنها متعزّض و متجاوزند.

البته، ما یقه قدرتهای بزرگ دنیا را در همه جای دنیا می‌گیریم و دلیلمان این است که آنها متعزّض و ظالمند. ما ظالم را به حال خود رها نمی‌کنیم و نمی‌گوییم: «اگر ما را رها کنید، دیگر با شما کاری نخواهیم داشت.» آنها متجاوز و متعزّضند، و دائماً در حال ظلم کردن به ملت‌ها هستند. ما از آن دولت‌ها و ملت‌ها نیستیم که متجاوز ظالمی را به حال خود رها کنیم تا پی کار خودش برود! بنابراین، برادران و خواهران من! مبارزه از دیر باز بر ملت ایران تحمیل شده بود و مسأله امروز نیست. البته بعد از آن که انقلاب اسلامی در این کشور پیروز شد و نظام قبلی که در دست در اختیار قدرتهای استکباری بود، برافتاد، قدرتهای بزرگ استکباری، بیشتر عصبانی شدند و مبارزه، تندتر و خشن‌تر شد. شما ملاحظه کنید که روزگاری نه چندان دور، در این تهران مرکز کشور، حکومتی بر سرکار بوده است که شاه آن وقتی می‌خواست نخست وزیر برای خود انتخاب کند، اول از امریکایی‌ها می‌پرسید: شما موافقید من فلانی را انتخاب کنم یا نه؟ وقتی می‌خواست مدیر شرکت نفت یا وزیر دفاع و یا رئیس ستاد ارتش را عوض کند - «زید» را بردارد و «عمرو» را بگذارد - از سفیر امریکا خواهش می‌کرد که «شما یک تکیه پا به محل اقامت من تشریف بیاورید تا ببینیم سیاست شما با چنین تعویض‌هایی مخالفت دارد یا ندارد؟» به معنی ساده تر، از آنها کسب تکلیف می‌کرد! استکبار هم عادت به تعارف کردن ندارد که تا ببیند طرف کوتاه آمد، بگوید: «بخشید! ما با شما عرضی نداریم.» هرگز این طور نیست! شما در مقابل استکبار و استعمار، هر چه بیشتر خم شوید، بیشتر فشار وارد می‌کند. اگر سرتان را پایین آورید، فشار خود را راحت تر وارد می‌کند تا به سجده بیفتید! وقتی هم در مقابلش به خاک افتادید و



سجده کردید، پایش را محکم روی شما می گذارد! این، خاصیت قدرتهای استکباری و متجاوز است. باری؛ آنها در مقابل چنان شاهي، که چنین کسب تکلیف می کرد، گاهی می گفتند: «عیبی ندارد. اگر شما فلان کس را به فلان سمت منصوب کنید ما حرفی نداریم و موافقیم.» البته، گاهی هم با انتصابهای او مخالفت می کردند و نمی گذاشتند هر کس را که دلش می خواست عزل و یا نصب کند! فکرش را بکنید! چنان حکومتی، تا پانزده سال پیش در این کشور و در این شهر تهران حاکمیت داشته است!

خوب؛ در هنگامه تسلط چنان حکومتی بر ایران، نفت این مملکت، فولاد این مملکت، زغال سنگ این مملکت، منابع این مملکت، کشاورزی این مملکت، دانشگاه این مملکت و ارتش این مملکت، چه وضع و حالی داشت و در خدمت چه کسی بود؟ بدیهی است که در خدمت آن قدرت مستکبر و زورگو بود. البته آن زورگو هم همیشه یک کشور استکباری نبود. تا مدتی انگلیسیها بودند. بعد که امریکاییها به عنوان یک قدرت تازه نفس و پولدار و جوان، وارد میدان شدند، آن رقیب پیر قدیمی و کهنه را بیرون انداختند و خودشان همه کاره این جا شدند.

در چنین وضعیتی، انقلاب پدید آمد و آن حکومت نوکر مخلص حلقه به گوش ارادتمند «هرچه شما بفرمایید» را بیرون انداخت و حکومتی بر سر کار آورد که سر تسلیم در مقابل فلک هم خم نکرد و نمی کند. حکومتی را که انقلاب بر سر کار آورد، حتی برای یک لحظه هم در مقابل دو ابرقدرت امریکا و شوروی تسلیم نشد. این دو ابرقدرت اگر چه در صد مسأله با هم اختلاف داشتند، اما در چند مسأله با یکدیگر موافق بودند و یکی از آن چند مسأله، که مهمترین به حساب می آمد، وارد آوردن فشار بر جمهوری اسلامی بود. توافق دو ابرقدرت در اعمال فشار بر جمهوری اسلامی امری معلوم و واضح بود. مگر غیر از این می توانست باشد؟! هر کس در میدان بود، این قضیه را به وضوح می دید و چیزی نبود که کسی کتمانش کند. اما نظام اسلامی برآمده از انقلاب، در مقابل هر دو ابرقدرت ایستاد.

هنوز هم قدرتمندان امریکا، ساده لوحانه و ابلهانه - البته به خیال خودشان - فکر می کنند رئیس دنیايند! حرف زدن آنها به گونه ای است که گویی مدیر کل همه کره زمینند! یک عده هم از روی ترس و ضعف نفس «بله قربان» گوی آنها شده اند. امروز هم جمهوری اسلامی، با کمال قدرت در مقابل امریکا ایستاده است و به قدرتمندان امریکایی می گوید: مگر شما که هستید؟! اگر قدرت و دولتی قوی هستید، بروید مملکت خودتان را اداره کنید! اگر راست می گوئید، بروید ناامنی را از خیابانهای «نیویورک» و «واشنگتن» و «لوس آنجلس» برطرف کنید! اگر راست می گوئید، بروید تبعیض نژادی و هزم فجیع حقوق بشر را که هنوز هم بین سیاه و سفید وجود دارد، اصلاح کنید! به شما چه مربوط است که در امور دنیا دخالت می کنید؟!

مسلماً وقتی حکومتی چون جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار می آید، مبارزه قدرتهای استکباری با آن، جدی تر و قویتر می شود. شوخی که نیست! مسأله منافع امریکاست! مسأله قدرت سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی امریکاست که این جا ذبح گردیده و به سنگ کوبیده شده است. قهراً آنها در مقابل چنین پیشامدی عصبانی و خشمگینند. این درست است که مبارزه از دوپست سال پیش ادامه داشت. اما مبارزه آن روز، آن هم از موضع قدرت کامل استکبار، فقط با ملت ایران بود و حکومت مسلط بر کشور، لاقلاً در پنجاه و چند سال اخیر و یا بیش از پنجاه سال اخیر و از اواخر قاجاریه، خود را دست بسته تسلیم استکبار می دانست. البته، استکبار یک روز انگلیسی بود و یک روز روسی و بعد هم در کسوت امریکایی پدیدار شد.

بعد از آن که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید، مبارزه استکبار با دولت و ملت ایران آغاز شد که طی پانزده سال اخیر تا به امروز ادامه دارد. چنین مبارزه ای با دولت و ملتی است که قرص و محکم ایستاده است و از جای خود، حتی یک قدم عقب نمی رود و حرفش هم در دنیا خریدار دارد. طرف مقابل ما با همه اولدرم بولدرم خود، تا کنون نتوانسته است ضربه ای به این نظام بزند.

یک نمونه از اقدامات استکبار برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی، تحمیل جنگ هشت ساله بود. دشمنان ما



برای رسیدن به مقصود، خودشان را کشتند! «ناتو» و آمریکا و «ورشو» و شوروی و همه و همه، عراق را تجهیز کردند برای این که یک قسمت از کشور ایران را جدا کنند. اما دیدید که نتوانستند. پس، امروز مبارزه از جانب آنها از طرفی جدی تر و از طرف دیگر، خشمگینانه تر است؛ چرا که قبلاً در دهانشان خورده و ناکام شده اند.

شما نظامی هستید و می دانید که در مبارزات - چه مبارزات نظامی و چه مبارزات سیاسی یا اقتصادی - هر طرف باید بر نقاط قوت خود و نقاط ضعف طرف مقابل تکیه کند. شما ببینید نقطه قوتتان چیست و روی آن تکیه کنید؛ چنان که در میدان جنگ همین کار را می کنید. یعنی نقطه ضعف طرف را می یابید، رخنه گاه را در صفوف طرف مقابل پیدا می کنید و حمله را بر نقاط ضعف طرف متمرکز می نمایید؛ و اگر بتوانید نقاط قوت طرف را از بین ببرید، به این کار می پردازید. فرض بفرمایید اگر دشمن هواپیماهای بسیار تیزپروازی دارد، برای زمینگیر کردن او در منطقه، ضد هوایی تان را تقویت می کنید. یا اگر زرهی بسیار مستطی دارد، شما ضد زرهی تان را مجهز می کنید تا او زمینگیر شود. در مبارزات نظامی، این قاعده کلی است و همه ارتشهای جهان، در نبردها چنین کاری می کنند. در دنیای سیاست نیز همین طور است. استکبار به کشور ما نگاه کرده و دیده است که ملت ایران نقاط قوت و نقاط ضعفی دارد. بنابراین می خواهد ضمن حداکثر استفاده از نقاط ضعف، تا آن جا که می تواند نقاط قوت را از بین ببرد و مانع استفاده این ملت از نقاط قوت خود شود.

ما فعلاً به نقاط ضعف نمی پردازیم؛ چون مستلزم بحثی طولانی است و من می خواهم صحبت کوتاه باشد. و اما، ملت ایران نقاط قوتی دارد که اگر بخواهم فهرست وار به آنها اشاره کنم، شاید در این فرصت بتوانم به هفت، هشت مورد که کسی نمی تواند درباره شان شک کند، پردازم.

یکی از نقاط قوت ملت ایران هوش بالای اوست. نه این که صرفاً ما مدعی برخورداری مردم ایران از این نقطه قوت باشیم؛ بلکه همه تحصیلکردگان یا مدرّسین دانشگاههای دنیا که با چنین مباحثی آشنایی دارند، می دانند متوسط هوش ایرانی از متوسط هوش جهانی بالاتر است. در همه دنیا، متخصصینی که ضریب هوشی ملتها را برآورد می کنند و محققینی که کارشان سنجش هوش و استعداد است بر این نقطه قوت ایرانیان اذعان دارند. بنابراین، ملت ایران، ملتی باهوش است و نتیجه بهره مندی از این نقطه قوت آن است که پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی و پیشرفت سیاسی برای او میسر است.

دیگر نقطه قوت ملت ایران عبارت است از سابقه کهن و ریشه دار تاریخی، فرهنگی، علمی و غیره که در وجود آن تردیدی نیست. ملتی را که تازه امروز از زیر بوته بیرون آمده و تبدیل به یک ملت شده و فاقد گذشته و سابقه و علم و فرهنگ و بزرگان است، نمی توان با ملتی مقایسه کرد که روزی بزرگترین دانشمندان دنیا از آن او بودند و این امتیاز هم نه یک بار و دوبار، که قرنهای متمادی مربوط به او بود. در قرنهای بعد از اسلام، یعنی از قرن چهارم هجری به بعد، تا چند قرن - نمی خواهم به طور دقیق مرزبندی کنم؛ چون مرزهای قرون، محل اختلاف و خدشه است. اما اصلش مسلم است - بزرگترین دانشمندان دنیا در رشته های مختلف علوم - چه در رشته طبیعی، چه در رشته انسانی، چه در رشته نجوم و چه در ادبیات و فلسفه و ریاضی - ایرانی بودند و از میان آنها «فارابی»ها، «ابن سینا»ها، «فخر رازی»ها، محمدبن زکریای رازی»ها، «خوارزمی»ها و «خیّام»ها و «فردوسی»ها و «سعدی»ها برخاستند. اینها گذشته ملت ماست.

در مثالی محسوس می توان گفت که گذشته تاریخی به مثابه شفته و بتونی است که ستون روی آن قرار دارد. هر چه شفته در عمق بیشتری فرو رفته و قویتر باشد، ستون بنا شده روی آن از استحکام بیشتری برخوردار است. ملتی که سابقه تاریخی ندارد مثل ستونی است که آن را روی زمین سست بنا کرده باشند. هر چه هم با عظمت باشد آسیب پذیری اش خیلی زیاد است.

حال شما نگاه کنید و ببینید دشمنان ما نسبت به نقاط قوت مورد بحث، چه موضعگیریهایی می کنند! ببینید چطور



می‌کوشند بعضی از این نقاط قوت را که قابل گرفتن است، از ملت ایران بگیرند و بعضی را که قابل گرفتن نیست، از نظر این ملت پوشیده بدارند و روحیه او را تضعیف کنند!

و اما، یکی از نقاط قوت بزرگ ملت ایران، ایمان و دین باوری، معرفت دینی و مذهبی و علاقه شدید به مسائل الهی و معنوی است. این هم نقطه قوتی است که کسی نمی‌تواند انکارش کند. همیشه بزرگترین کارها را کسانی کرده‌اند که با منبع غیبی در ارتباط بوده‌اند. این، امر واضحی است. به عنوان مثال، در جهاد هشت ساله ملت ایران، اگر توسل و توجه و تکیه به غیب و اتکا به خدا به عنوان منشأ تمام قدرتهای عالم وجود نداشت، آن پیروزیهای درخشان به دست نمی‌آمد.

در مقابل آن جبهه مستحکم، تکیه بر معنویت بود که توانست همه گره‌ها را باز کند. وقتی به این ملت می‌گفتند «دشمنان، همه امکانات تسلیحاتی را فراهم آورده‌اند تا شما را در جنگ شکست دهند»، جواب ملت این بود که «خدا بالاتر و قویتر از اینهاست.» ملت ایران با این اعتقاد در جنگ تحمیلی، در انقلاب بزرگ اسلامی و در طول تاریخ در همه مراحل پیش رفته است. این هم از خصوصیات ملت ایران است. ملت ایران ملت دین باوری است. البته در دنیا ملتهایی هستند که دین باورند. در بین ملتهای غربی هم بعضی به دین، باور و اعتقاد دارند. اما بعضی هم، اساساً مردمانی لایبالی‌اند که با دین و ایمان و خدا و معنویت سرو کاری ندارند. در دنیا، در بین مسیحیان و غیر مسلمانان و ادیان دیگر، چنین انسانهایی وجود دارند. ملت ایران جزو ملتهایی است که از سابق، گرایش دینی داشته است.

در قبل از انقلاب، زمانی یکی از نویسندگان معروف عرب به ایران آمده بود. در دیداری که با هم داشتیم، به من گفت: «من به همه کشورهای اسلامی سفر کرده‌ام؛ اما در هیچ کشوری ندیدم وقتی مردم سوار بر قطارند و به مسافرت می‌روند، به هنگام نماز، ناگهان قطار توقف کند و همه برای ادای نماز پیاده شوند.» می‌گفت: «من برای اوّل بار در ایران است که شاهد چنین موضوعی هستم و در هیچ جای دیگر نظیرش را ندیده‌ام.» آری؛ همین گرایش معنوی و دینی بود که نقطه قوت بعدی را به وجود آورد و آن، انجام یکی از بزرگترین آزمایشهای ملی و قیامهای شجاعانه طول تاریخ، در برهه‌ای حسّاس از حیات این ملت، یعنی انقلاب کبیر اسلامی ما و ایستادن پای این انقلاب و تشکیل حکومتی براساس این انقلاب بود که همان حکومت هم جمهوری اسلامی ایران است. اینها از برکات همان دین باوری است. دیدید کسانی را که ادعای آزادیخواهی و مبارزه و انقلابیگری می‌کردند اما ته و توی وجودشان از دین بیگانه بود، چطور میان راه، سقط و زمینگیر شدند و به قول شماها «کپ» کردند و نتوانستند جلو بیایند؟! اما ملت ایران، همچنان پیش رفت و پیش رفت و هنوز هم به برکت ایمان پیش می‌رود. پس، نقطه قوت بعدی ملت ایران، عبارت است از شکل‌گیری و ایجاد یک قیام شجاعانه. شما به قیامهای تاریخ که بر ضدّ قدرتهای ظالم شکل گرفته است نگاه کنید! در هر کدام نگاه و مّدّاقه کنید، باز هم می‌بینید قیام عظیم ملت ایران که مراحل عملی آن پانزده سال طول کشید، هم ریشه‌هایش بیشتر از پانزده سال بود و هم فداکاریها و شهید دادنها و گذشتهایش. در این انقلاب، چقدر گذشت شد! مگر شوخی است؟! مگر گذشت کار آسانی است؟! شما اگر در صف اتوبوس ایستاده باشید و جایتان را به کس دیگری بدهید، می‌گویید: «من گذشت کردم.» هم خودتان خوشحالید و هم دیگران به خاطر این گذشت به شما «آفرین» می‌گویند. گذشت این قدر مهم است. حتی در حدّ بخشیدن جای خود در صف اتوبوس به دیگری که ظاهراً کار مهمی هم نیست. بالأخره، یک ربع بعد از آن، اتوبوسی دیگری از راه می‌رسد و شما می‌روید. آن وقت ببینید گذشت از جان، گذشت از عزیزان و گذشت از همه زیورهای حیات مادّی، چقدر اهمیت دارد! اینها مگر شوخی است!؟

ملت ایران، در طول انقلاب، چنین گذشتی از خود نشان داد و در نهایت شجاعت، انقلاب را به پیروزی رسانید. اما امروز یک عده قلم به مزدهای روسیاه، مترصد نشسته‌اند تا ببینند سازمان امنیت امریکا از چه موضوعی خوشش می‌



آید و چگونه به آنها چند دلار می دهد تا همان گونه که خوشایند آن سازمان است، بنویسند. اینها در نوشته های خود عنوان می کنند: «ملت ایران مرتکب اشتباه شد که انقلاب کرد.» یعنی بزرگترین حادثه شجاعانه افتخارآمیز ملت ایران را این گونه کوچک می کنند! می گویند: «ملت ایران اشتباه کرد.» می گویند: «ملت ایران، از این که انقلاب کرد، پشیمان است.» بیزاری ملت ایران بر اینها باد! نفرت ملت ایران بر این گونه قلم به مزدها باد! یکی از بزرگترین نقاط قوت ملت ایران، همین انقلابی است که شکل گرفت و به پیروزی رسید. یک نقطه قوت بزرگ ملت ایران این است که حکومتی مردمی دارد. دستگاه، مردمی است؛ رئیس جمهور، مردمی است؛ نمایندگان، مردمی و از متن ملتند و سلطان و پادشاه نیستند که تحکم بر مردم را حق خودشان بدانند و آنها را نوکران خود به حساب آورند. عمال حکومت ستمشاهی این گونه بودند. مردک بی سواد بی شخصیت بی ارزش، به صرف این که پدرش فردی قدر همچون خود وی بود، صاحب اختیار مردم شده بود. مردم هم اگر در مقابلش به خاک می افتادند، حقشان بود؛ باید می افتادند! او هم حق خود می دانست که هر چه را می خواهد بر مردم تحمیل کند. آن چه حکومتی بود! آن چه ننگی برای یک ملت بود!

امروز به فضل پروردگار، کسانی که در این کشور در رأس قدرت و حکومتند، برای خود و منسوبین خود، هیچ ادعایی ندارند و هیچ چیز نمی خواهند. امام، با آن عظمت، خودش را خدمتگزار مردم می دانست و به آن افتخار می کرد. مسؤولین نیز افتخارشان این است که خدمتگزار مردم باشند. صریحاً هم می گویند: «ما خدمتگزار مردمیم و برای خدمتکاری مردم آمده ایم.» چند صباح هستند و چند صباح هم نیستند. این، ارزش بسیار بزرگی است. این نقطه قوت بسیار بزرگی است. البته نقطه قوت‌های فراوانی وجود دارد که نمی خواهم آنها را یکی یکی بشمارم. باری؛ آقایان و خانمها! دشمنان ما که مبارزه دویست ساله ای را ادامه می دهند، سعی شان این است تا نقطه های قوتی را که قادر به از بین بردن آنها هستند، از بین ببرند. مثلاً خیال می کنند ایمان مذهبی مردم را می شود از بین برد. با همین تصور، سیل فساد غربی و گنداب فحشا و شهوترانی و شهوتگرایی را روانه کشورهای جهان سوم کرده اند و می خواهند آن را به داخل کشور ما هم هدایت کنند. البته این کار را مدتی است که شروع کرده اند. اگر امروز قضیه قاچاقچی‌هایی که نوارهای ویدیویی مبتذل، نوارهای مستهجن جنسی و مجلات و کتابهای حاوی تصاویر عریان و شهوت انگیز را می آورند، دنبال کنید، می بینید اگر بنا باشد بعضی از این افراد، از توزیع چنین محصولات نانی بخورند، برایشان نانی ندارد؛ بلکه نانشان از جای دیگر داده می شود. این مطالبی که عرض می کنم، از روی اطلاع است. اینها مأموریت دارند تا از طریق کشورهای حاشیه خلیج فارس و دیگر کشورهای همسایه، این گندابهای فساد و شهوترانی را به داخل کشور ایران، میان ملت ایران و مخصوصاً بین جوانان و در خانواده ها روانه کنند! ایمان مذهبی از نقاط قوت است و دشمنان می خواهند آن را از بین ببرند. دشمن است دیگر! دشمن که دست نوازش بر سر و روی انسان نمی کشد! دشمن یعنی کسی که می خواهد سر به تن انسان نباشد. می خواهند آن نقاط قوت ما را که می شود از بین برد، بدین طریق از بین ببرند. می خواهند حکومت مردمی را از بین ببرند. سالهاست که دیگر فهمیده اند چنین امید و آرزویی را به گور باید ببرند؛ لذا می خواهند حکومت مردمی را بدنام کنند. علیه حکومت و دولتمردان و مسؤولین، انواع و اقسام تبلیغات را می کنند. البته بی فایده است؛ اما آنها کار خودشان را می کنند. در تبلیغاتشان، سابقه تاریخی و فرهنگی ما را به هیچ می شمارند. هوش ملت ایران را مورد تردید قرار می دهند و چنین وانمود می کنند که ملت ایران، به جایی نمی رسد. پیش خود می گویند: «این ملت، باز هم محتاج ماست و باز هم باید در خانه ما غربیها بیاید.» اصلاً تبلیغات را به این سمت متمرکز کرده اند. سعی می کنند انقلاب را لکه دار کنند.

اینها کارهایی است که در عالم سیاست انجام می گیرد. در عالم متن زندگی و واقعیت، مثل مسائل اقتصادی و امنیتی و نظایر آن هم، هر کاری از دستشان برآید می کنند. دیدید که مثل دل‌لهای دوره گرد راه افتادند و در اروپا و



آسیا، پیش کشورهای اروپایی و پیش کشورهای بزرگ آسیایی رفتند و به آنها گفتند: «با ایران به معامله و تجارت و همکاری نپردازید و به آن کمک نکنید.» البته دائم از این کارها می کنند و به چنین فعالیت‌هایی بی فایده ای مشغولند.

خوب؛ یک حرف این است که آنها پانزده سال است دائم مشغول همین کارهای خلاف و سرگرم مبارزه با ما هستند و به فضل پروردگار، پانزده سال است که حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی و ملت انقلابی ایران، روزه روز در حال قویتر شدن است. پس، تلاش آنها بی فایده است. این، البته در جای خود مسلم. اما عزیزان من! حرف دیگر این است که امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام فرمود: «و من نام لم ینم عنه.» کسی که در سنگر به خواب برود و چشمش را خواب بگیرد، باید بداند چشم دشمنی که او را می پاید، به خواب نخواهد رفت. یعنی چه؟ یعنی دائم بیدار باشید. دائم خودتان را در سنگر ببینید. دائم خودتان را در مقابل یک دشمن غدار و زخم خورده و خشمگین و به شدت ناراحت از این که تا کنون نتوانسته است کاری انجام دهد، ببینید. یعنی هوشیاری تان را حفظ کنید. شما در ارتش، هوشیار و بیدار باشید. دانشگاهیان در دانشگاه، سپاه در سپاه، نیروهای انتظامی در داخل نیروهای انتظامی، حوزه علمیه در داخل حوزه علمیه، دستگاه‌های اقتصادی در کارهای اقتصادی شان، مأمورین دولتی در حوزه مأموریت‌های خودشان و همه کسانی که در این کشور کاری بر عهده دارند و یا مشغول فعالیت سازنده ای هستند، در حوزه کار خودشان بیدار و هوشیار باشند.

در مقابل ما دشمنی قرار دارد که پانزده سال تلاش کرد و نتوانست ضربه بزند؛ اما هنوز مأیوس نشده است. بحمدالله نقاط قوت ما زیاد است. باید این نقاط قوت را تقویت کنیم؛ همین نقاط قوتی که گفتیم و بسی نقاط قوت دیگر را. اینها را باید تقویت کنیم. البته نقاط ضعفی هم داریم که باید در برطرف کردنشان بکوشیم و بدانیم که دشمنان می خواهند نقاط قوت ما را از بین ببرند.

پروردگار متعال، بندگان صالح و پرهیزگار را دوست می دارد و به آنها کمک می کند. اگر در راه خدا باشیم، اگر تقوا داشته باشیم، اگر اخلاص داشته باشیم و اگر برای خدا حرکت کنیم، تردید نکنید که لحظه به لحظه، کمک‌های الهی شامل حال این ملت خواهد بود.

امیدوارم همین طور باشد و همه ما مشمول ادعیه زاکیه امام زمان، ولی عصر ارواحنا فداه و عجل الله فرجه باشیم و ان شاءالله روزه روز پیشرفت‌های این کشور و این ملت، بیشتر و بیشتر و بهتر شود و خداوند روز به روز درجات امام بزرگوار ما را - که چنین راه روشنی در مقابل ملت ایران باز کرد - عالی تر کند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.